

## استقلال دانشگاه، توسعه علمی کشور و اغتنام فرصت‌ها

مصطفی معین

مرکز تحقیقات ایمونولوژی، آسم و آلرژی - دانشگاه علوم پزشکی تهران

### چکیده

پیشرفت سریع علوم و فناوری پایه اصلی تحولات در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جهان امروز است. علم و نوآوری مهتني بر دانش عمدتاً جایگزین منابع فیزیکی در ایجاد فناوریهای نوین خواهد بود مشروط بر آنکه توسعه سرمایه انسانی و سازماندهی و بهره‌گیری از آن در اولویت قرار گیرد. مهم‌ترین مانع سرمایه‌گذاری بر روی منابع فکری و انسانی در جهان سوم و اغتنام فرصت‌های محدود برای توسعه یا «مدیریت زمان»، ساختار سنتی نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنهاست. در این ساختارها مسئولان و برنامه‌ریزان فاقد بینش و توان لازم برای جذب و پرورش استعدادهای انسانی و بهره‌گیری از سرمایه‌های خدادادی و تامین منافع ملی هستند. بنابراین در دوران گذار توسعه در ایران، مهم‌ترین چالش پیش روی اصلاحات، ایجاد تحول و دگرگونی در ساختارهای علمی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. پیش‌نیاز و مقدمه ضروری این تحول ساختاری هم، ایجاد تحول در بینش و نگرش مسئولان، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان است. نگرشی که «انسان» را عامل اصلی و نیز هدف توسعه و آموزش نیروی انسانی را زیر بنا و شالوده آینده بداند.

این مقاله به اهم مشکلات ساختاری نظام آموزش عالی ایران از جمله گسستگی میان مراکز علمی و اجرایی، فقدان تعامل دانشگاه و جامعه و دولت، عدم تناسب بین آموزش و بازار کار و به کار نرفتن نتیجه تحقیقات و مدیریت متمرکز دولتی برای اداره دانشگاهها می‌پردازد که نوعی هم‌شکلی، انجماد سازمانی، دیوانسالاری، اتلاف فرصت‌ها و منابع و عدم بهره‌وری را در پی داشته است. سپس اصلاحات ساختاری آموزش عالی بر پایه تمرکززدائی و تحقق آزادی علمی و استقلال سازمانی دانشگاه

را با ارائه شاخص‌ها و سیاست‌های مربوط مورد بحث قرار میدهد و بر نقش تعیین کننده دانشگاه در توسعه علمی کشور تاکید می‌نماید.

### مقدمه

ما هم اکنون در آستانه عصر شتابندگی تاریخ هستیم و تحولات در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بسیار سریع و فزاینده است. در این تحولات، علم و فناوری و توسعه انسانی بیش از هر زمانی محوریت یافته است. علم و نوآوری مبتنی بر دانش بسیار بیشتر از منابع فیزیکی پایه و اساس فناوری آینده را تشکیل خواهد داد مشروط بر آنکه در جهت توسعه سرمایه انسانی و سازماندهی و بهره‌گیری از آن اقدام شود. در این شرایط، مهم‌ترین مانع سرمایه‌گذاری بر روی سرمایه‌های فکری و انسانی در جهان سوم و اغتنام فرصت‌های محدود برای توسعه یا «مدیریت زمان»، ساختار سنتی نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنهاست. در این ساختارها مسئولان و برنامه‌ریزان فاقد بینش و توان لازم برای جذب و پرورش استعداد‌های انسانی خود و بکارگیری خلاقیت‌های عظیم فردی در جهت بهره‌گیری از منابع خدادادی و توسعه و پیشرفت جامعه و تامین منافع ملی هستند و بدین ترتیب مهاجرت مغزها امری گریزناپذیر و خسارت‌بار می‌شود و لذا بنظر من در این دوران گذار سخت توسعه در ایران، مهم‌ترین تنگنا و چالش پیش روی اصلاحات، ایجاد تحول و دگرگونی در ساختارهای سنتی کشور در بخش‌های مختلف علمی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. البته پیش‌نیاز و مقدمه ضروری این تحول ساختاری، ایجاد تحول در بینش و نگرش مسئولان، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان است. نگرشی که «انسان» را محور اصلی و نیز هدف توسعه، و آموزش نیروی انسانی را زیر بنا و شالوده آینده بداند.

اهم مشکلات ساختاری در نظام آموزش عالی ایران: گسستگی میان مراکز علمی و اجرایی، فقدان تعامل دانشگاه و جامعه و دولت، عدم تناسب بین آموزش و بازار کار و به کار نرفتن نتیجه تحقیقات بوده و هست. امروزه، آموزش عالی و دانشگاهها با توجه به نقش فزاینده‌ای که در زمینه پیشرفت و ارتقای علمی، فناوری، فرهنگی و اقتصادی کشورها بعهد گرفته‌اند، موظفند که بطور دائمی بر پایه ارزشیابی دقیق از شرایط در حال تحول جامعه بومی و جهانی، ساختار خود را مورد بازنگری قرار دهند و راهبردهای جدید و کارآمدتر را برای دستیابی به اهداف مورد نظر و در رأس همه توسعه علمی کشور تدوین کنند. قطعاً در فرآیند توسعه علمی باید به بازاندیشی و اصلاح نگرش‌ها نسبت به

دانشگاه از بیرون و نیز پاسخگو کردن دیدگاهها و ساختارهای کنونی در عرصه‌های آموزشی و پژوهشی، فرهنگی و اجرائی اهتمام کرد. در حقیقت بازسازی فضاهای نظری و علمی دانشگاهها به تناسب نیازها و خواسته‌های امروز جامعه ضروری است. برای گسترش توانائی‌های دانشگاهها در جهت پاسخ به شرایط متغیر محیطی و نیازهای اجتماعی، باید مسئولیت‌پذیری درونی دانشگاهها را افزایش داد. پویائی دانشگاه و شکوفایی علمی و پژوهشی آن در روند این پاسخگوئی و امکان رقابت است که فرصت رشد و بروز می‌یابد. مدیریت متمرکز دولتی برای اداره دانشگاهها، نوعی هم‌شکلی و انجماد سازمانی را بوجود آورده که دیوانسالاری، اتلاف وقت و منابع و عدم بهره‌وری را در پی دارد، در حالیکه تنوع سازمانی دانشگاهها و شیوه‌های گوناگون پاسخگوئی به نیازها و شرایط، امکانات بیشتری را برای توسعه دانشگاه و غنای علمی کشور فراهم می‌سازد. برای توسعه ظرفیت پاسخگوئی دانشگاه به نیازهای علمی و پژوهشی رو به افزایش کشور، بازبینی نظام آموزش عالی، تمرکززدایی در فعالیت‌های برنامه‌ریزی و اجرائی، کاهش اختیارات حوزه‌های ستادی وزارت، افزایش اختیارات و تقویت ترکیب اعضای هیات‌های امناء، تعریف و تبیین مسئولیت‌های متقابل دولت و دانشگاه و تنظیم و ارائه لوایح، آیین‌نامه‌ها و مقررات مورد نیاز ضروری است.

چالش مهم دانشگاههای ایران در این زمان: کسب و ارتقای هویت علمی و فرهنگی با توسعه استقلال سازمانی (Institutional Autonomy) و آزادی علمی (Academic Freedom) به منظور افزایش بهره‌وری و تحقق رسالت‌های دانشگاه، افزایش اثر بخشی اجتماعی و پاسخگوئی به دولت و جامعه و تحولات بازارکار و فناوریهای جدید است. هر چند که این رویکرد در تعارض با نظام اداری و تصمیم‌گیری متمرکز کشور است و بهمین دلیل هم با مقاومت روبرو شده و می‌شود. واقعیت اینست که دانشگاه در دنیای امروز نهادی است به لحاظ علمی و سازمانی «آزاد و مستقل»، و درعین حال به لحاظ اجتماعی «مسئول و ملتزم» و به لحاظ اقتصادی «مؤثر و با بیشترین ارزش افزوده». و لذا دانشگاه امروز جزء لاینفک روندهای توسعه‌ای است و توسعه پایدار و همه جانبه جز بر مدار دانشگاه و نظام آموزشی و پژوهشی پاسخگو و کارآمد نمی‌چرخد. بنابراین سرمایه‌گذاری هر چه بیشتر دولت و جامعه در آموزش، پژوهش و توسعه علم و فناوری به تقویت توانمندیهای دولت و نظام‌های اجتماعی و اقتصادی می‌انجامد. دانشگاه جامعه کوچکی از نخبگان علمی جامعه بزرگ پیرامونی خود و در خدمت نیل به آرمانها و منافع ملی است. دانشگاه به دلیل بافت و ترکیب علمی و اهداف و ماموریت‌های آن از یک ساختار دموکراتیک برخوردار است و میزان انطباق ماموریت‌های دانشگاه با آرمانهای جامعه

مستلزم آزادی علمی و استقلال دانشگاه از نظر تعیین اهداف و اولویت‌ها و برنامه‌ریزی برای نیل به آنها است و لذا دانشگاه نهادی است نیازمند استقلال علمی و سازمانی و برخوردار از آزادی‌های علمی که در آن استادان، محققان، دانشجویان، کارشناسان و کارکنان بهره‌مند از اطمینان و امنیت فکری، شغلی، مالی، سیاسی و اجتماعی بتوانند به تولید اندیشه و دانش و تعمیق تعهدات اجتماعی بپردازند. استقلال دانشگاه و آزادی علمی لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند، همانگونه که استقلال کشور و تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی نیز مکمل و مقوم هم هستند. طبیعی است که با توجه به تأمین بخش اصلی بودجه دانشگاه توسط دولت، دانشگاه در قبال استقلال سازمانی خود باید مسئول و پاسخگوی دولت و مردم باشد و این همان اصل «التزام اجتماعی» دانشگاه است. در نظام‌های دانشگاهی خودگران و مسئولیت‌پذیر، حرکت به سوی اقتدار مدیریت اجرائی، عدم تمرکز بودجه و آزادی عمل دانشکده‌ها و گروه‌ها در مسائل اداری-مالی و علمی و اجرائی است.

حال ببینیم گستره اختیارات قانونی و استقلال دانشگاه در چه حدودی است؟

شاخص‌ها و سیاستهای اصلی استقلال دانشگاه عبارتست از:

۱- «انتخابی بودن مدیریت‌های دانشگاهی» با مشارکت مستقیم استادان، مربیان و پژوهشگران و بدون دخالت‌های غیر علمی از سوی عوامل محلی و یا دولت. خوشبختانه در تابستان ۱۳۸۲ آئین‌نامه انتخابات مدیریت‌ها در سطح گروه، دانشکده و دانشگاه و نیز مراکز تحقیقاتی ابلاغ گردید. من امیدوارم که این حرکت خوش فرجام نهادینه شود و دانشگاه‌ها و مراکز علمی را از آسیب‌های محیطی مصون سازد.

۲- تفویض اختیارات قانونی در زمینه «تخصیص و مدیریت منابع مالی» خارج از شمول قانون محاسبات عمومی و ذیحسابی با تقویت هیاتهای، امانا. وظائف نظارتی دولت به ویژه در اموراداری و مالی به هیاتهای مزبور تفویض می‌شود.

۳- تخصیص اعتبارات عمومی بصورت «کمک» و هزینه‌های دانشگاه بدون رعایت «ماده - ۳۱» قانون محاسبات عمومی، هیاتهای امانا از طریق «حسابرسی مستقل» بفعالیت‌های مالی مؤسسه نظارت خواهند کرد.

۴- پیش بینی «درصدی از تولید ناخالص ملی یا بودجه کل کشور» با توجه به شاخص‌های جهانی به عنوان کمک به دانشگاه‌ها در اعتبارات سالانه دولت. توزیع اعتبارات آموزش عالی متناسب با میزان پاسخگویی آنها به نیازهای برنامه‌ای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور خواهد بود.

- ۵- تفویض اختیارات قانونی «برنامه‌ریزی و مدیریت منابع انسانی»، و تعیین شرایط کار اعضای هیأت علمی و کارکنان خارج از مقررات استخدام کشوری و جذب هیأت علمی که امکان رقابت بین دانشگاهها را افزایش می‌دهد.
- ۶- تفویض اختیارات قانونی «تعیین سازمان و تشکیلات» دانشگاه توسط هیأت امناء که موجب انعطاف و تحرک و بهره‌وری بیشتر مؤسسه خواهد شد.
- ۷- تفویض اختیارات قانونی برای «گزینش دانشجو» به عنوان درون داد اصلی دانشگاه از سوی وزارت که زمینه‌ساز جذب و پرورش استعدادهای درخشان و بهبود شاخص‌های آموزشی و پژوهشی خواهد بود.
- ۸- تفویض اختیارات قانونی «برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی» از سوی وزارت در جهت تناسب و انطباق بیشتر با بازار کار و معضلات جامعه.
- ۹- تفویض اختیارات قانونی برای وضع مقررات «سنجش و ارزیابی» در چارچوب سازوکارهای درون دانشگاهی. نظارت دولت نیز از دخالت مستقیم به ابلاغ سیاستها و تعیین شرایط احراز تغییر خواهد کرد.
- ۱۰- به رسمیت شناختن «استقلال و بیطرفی دانشگاه» به عنوان نهادی ملی و دارای منزلت و «مصونیت» آن از تنش‌ها و کشمکش‌های سیاسی، دخالت مراکز قدرت و تعرض گروههای فشار
- ۱۱- محدود شدن نقش دولت در ارتباط با دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی در حد تعیین سیاستها و اولویت‌های ملی، پشتیبانی، ارزیابی و نظارت.

### نتیجه‌گیری

دانشگاه یک سازمان آموزشی- پژوهشی، علمی و اجتماعی است و نه یک سازمان اداری، دولتی و سیاسی، و اثر بخشی آن به کارآئی و کیفیت کارکنان آن و بویژه اعضای هیأت علمی و نیز دانشجویان وابسته است و همه اینها اقتضای برخورداری دانشگاه از حداکثر آزادی، امنیت فکری، شغلی و اجتماعی و استقلال سازمانی را دارد. هم اکنون و در این شرایط حساس ایران و جهان، مسئولیتی خطیر و تاریخی متوجه ماست. فرصت‌ها محدود و بسیار مغتنم است و اغتنام فرصت‌های محدود و گذرای کنونی در گرو برخورداری از یک نگاه آینده‌نگر و اهتمام به توسعه علمی کشور به عنوان محور و اساس توسعه متوازن فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است و دانشگاه در این روند نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت.